info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۰۰
دوشنبه / ۳۰ تیر / ۱۴۰۴
۲۵ / محرم / ۱۴۴۷
21 / July / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۴۴۴۴۴ -۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

دوش دیدم که ملائک درِ میخانه زدند
گِلِ آدم بسرشتَند و به پیمانه زدند
ساکنانِ حرمِ سِتر و عفافِ ملکوت
با منِ راه‌نشین، باده مستانه زدند

غافل مباش ار عاقلی، دریاب اگر صاحب‌دلی
باشد که نتوان یافتن دیگر چنین ایام را
سعدی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۲۵	۰۵:۰۶	۱۲:۱۲	۱۹:۱۸	۱۹:۳۸

برگه

بیشترِ شکست‌های زندگی ناشی از تسلیم‌شدن در نقطه‌ای است که تنها چند گام تا پیروزی فاصله داشته است...
توماس ادیسون

گزارش روز

رؤیای طبابت، سودای ثروت

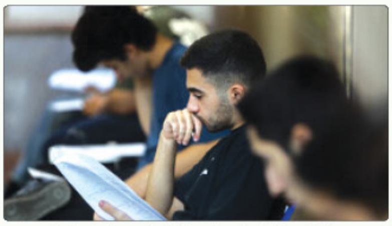

آرین نوزده‌ساله که تجربه شکست خورده‌ای از کنکور تجربی پارسالش دارد وامسال دوباره درهمان رشته شرکت کرده است ومی‌گوید: «خودم به‌رشته انسانی علاقه دارم، ولی می‌گن بازار کار خوبی نداره؛ برای همین رفتم سراغ تجربی که‌وضعیتش بهتره وامیدوارم امسال بتونم قبول بشم».

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهرآرانیوز، از همان کودکی آن‌قدر در گوشش خواندند، برایش رؤیا بافتند و در همان رؤیاها، روپوش سفید پزشکی بر تنش کردند که وقتی معلم روی تخته‌سیاه از آینده شغلی‌اش پرسید، آرزوهای بزرگسالی را در هوای کودکانه هاشور کشید و «دکتر» شدن را انشا کرد. حالا سال‌ها از آن زمان می‌گذرد و پزشک شدن برای او، رؤیایی است که دست‌کم در سه سال اخیر، شب و روزش را برای واقعی شدنش یکی کرده و تا توانسته، این رؤیا را لای کتاب‌های تلنبارشده زیست و شیمی روی میزش، ورق زده است، اما گاهی ترسی از ناکجا به دلش رخنه می‌کند انگار که اگر آن آرزو بر باد برود، نه‌فقط رؤیاهای کودکی بلکه هویت تمام سال‌های نوجوانی و جوانی‌اش دچار خدشه خواهد شد. مثل او، هزاران‌هزار دانش‌آموز دیگر در خراسان‌رضوی و صدهاهزار نفر در سراسر کشور، بار سنگین این رؤیای پزشکی را به دوش می‌کشند.

این عطش جمعی برای پوشیدن روپوش سفید، حالا به آمار خشک و صریحی تبدیل شده است: رقابت ۳۶هزار و ۳۳۱داوطلب فقط در گروه علوم‌تجربی استان، آن‌قدر پررنگ است که انگار آرزوی پزشک شدن دیگر یک انتخاب نیست، یک مطالبه عمومی است. این میل و گرایش در خراسان‌رضوی زمانی بیشتر جلب توجه می‌کند که بدانیم داوطلبان رشته تجربی در کشور به طور میانگین حدود ۴۸.۵ درصد متقاضیان را تشکیل می‌دهند، اما این رقم در خراسان‌رضوی به ۵۶.۶ درصد می‌رسد. اما آیا این گرایش انبوه، همیشه به معنا و مقصدی روشن ختم می‌شود یا باید نگران چالش‌های پنهانی بود که در سایه این موج پرتب‌وتاب، آینده آموزش‌عالی و اشتغال را تهدیدمی‌کند؟

مسیر تک‌بعدی موفقیت درأذهان عمومی

در ذهن بسیاری ازافراد جامعه، پزشکی مترادف باموفقیت، اعتبار اجتماعی ودرآمد خوب تعریف می‌شود؛ نمونه‌اش مادر یک دختر کنکوری است که‌خودش ماجرای انتخاب رشته سمانه رااین‌طور شرح می‌دهد: «دخترم عاشق نقاشیه، اما هنر که‌نون‌وآب نمی‌شه؛ مطمئنم بعداً که‌سمانه درسش تموم و دکتر بشه، ازمون تشکر هم می‌کنه».

یا آرین نوزده‌ساله که‌تجربه‌شکست خورده‌ای ازکنکور تجربی پارسالش دارد وامسال دوباره درهمان رشته شرکت کرده است ومی‌گوید: «خودم به‌رشته انسانی علاقه دارم، ولی می‌گن بازار کار خوبی نداره؛ برای همین رفتم سراغ تجربی که‌وضعیتش بهتره وامیدوارم امسال بتونم قبول بشم».

آمار ثبت‌نام کنکور۱۴۰۴ در خراسان‌رضوی، تصویری گویا از یک ناهمترازی عمیق درنظام آموزشی کشور ارائه می‌دهد. از ۶۴هزار داوطلب استان، ۳۶هزار و ۳۳۱نفر درگروه علوم‌تجربی ثبت‌نام کرده‌اند. این یعنی حدود ۵۶درصد، موفقیت خود را فقط در قبولی در رشته‌های تجربی می‌دانند. درمقابل، داوطلبان علوم‌انسانی با ۸ هزار و ۶۵۳ نفر (۱۳/۵ درصد)، رشته ریاضی با ۷هزار و ۲۸۸ داوطلب (۱۱/۳ درصد)، زبان‌های خارجی با ۷ هزار و ۱۰۶ نفر (۱۱/۱ درصد) وهنر با ۴ هزار و ۸۳۹ نفر (۷/۵ درصد) به‌نوعی متقاضیان کمتری نسبت به رشته تجربی دارند.

این آمار نه‌تنها نشان‌دهنده یک ترجیح تحصیلی است، که‌از یک «بحران هدایت تحصیلی» درجامعه ما حکایت دارد. ازسوی دیگر، پشت این ارقام، داستان‌هایی پنهان است ازدانش‌آموزانی که‌شاید هیچ‌گاه نخواهند پزشک شوند، ازخانواده‌هایی که‌آینده رافقط دریک‌مسیر می‌بینند واز جامعه‌ای که‌به‌تدریج، رشته‌های دیگر رابه‌حاشیه رانده است.

درمیان این آمار وارقام، واقعیت تلخ دیگری نیز خودنمایی می‌کند؛ رؤیای پزشک شدن برای بسیاری ازاین داوطلبان، هرگز به‌واقعیت نخواهد پیوست. سیل عظیم متقاضیان رشته‌های علوم‌تجربی درحالی به‌سوی کنکور سرازیر می‌شوند که‌ظرفیت محدود دانشگاه‌ها، تنها بخش کوچکی ازآنان راپذیرا خواهد بود. براساس آمار آزمون سراسری سال۱۴۰۳، ظرفیت پذیرش روزانه درسه رشته پرتقاضای پزشکی، دندان‌پزشکی وداروسازی مجموعاً ۴۵هزار ۱۵نفر بوده است ودردانشگاه آزاد اسلامی نیز برای این سه رشته به‌علاوه دام‌پزشکی تنها ۲هزار و ۳۸۳ نفر درنظر گرفته شده است.

این اعداد نشان می‌دهد که‌شمار درخور توجهی ازداوطلبان، حتی باوجود علاقه یااجبار به‌انتخاب رشته تجربی، پشت درهای دانشگاه باقی می‌مانند. درواقع، رقابت برای رسیدن به‌جایگاه‌هایی محدود، نه‌تنها فشار روانی بسیاری را به‌دانش‌آموزان وارد می‌کند، بلکه ناامیدی وسردرگمی درمسیر آینده رانیز به‌همراه دارد؛ آینده‌ای که‌شاید هیچ‌گاه هم‌راستا باخواسته‌ها واستعدادهای واقعی‌شان نباشد.

لزوم بازنگری درنظام آموزشی

دکتر غلامرضا حسنی‌درمیان، عضو هیئت‌علمی گروه علوم‌اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ازمنظر جامعه‌شناسی به‌این موضوع نگاه می‌کند ومی‌گوید: تمایل بیشتر دانش‌آموزان به‌رشته تجربی ورشته‌های پزشکی، درواقع تابعی ازفضای کلی کشور است.

او تأکید می‌کند که‌میل گسترده به‌رشته‌های پزشکی، ریشه درابعاد اقتصادی واجتماعی دارد، زیرا جامعه مشاغل این حوزه را بانیاز بیشتر، امنیت شغلی بهتر وآینده روشن‌تری تصور می‌کند. همین تصویر ذهنی، انگیزش بسیاری رابرای انتخاب رشته‌های تجربی شکل می‌دهد. به‌باور دکتر حسنی، نظام آموزش‌وپرورش باید دراستعدادسنجی دانش‌آموزان بادقت بیشتری عمل کند، صرف توجه به‌درآمدزایی، نمی‌تواند معیار مناسبی برای انتخاب رشته باشد. لازم است علایق فردی، ویژگی‌های شخصیتی، توان بالقوه، شرایط اجتماعی ونیازهای ملی، هم‌زمان مدنظر قرار گیرد.

او بیان می‌کند: روان‌شناسی رشته‌ها و شناخت جامع ازنیازهای کشور، موجب می‌شود انتخاب‌های تحصیلی نه‌فقط براساس سود شخصی، بلکه بانگاه ملی صورت گیرد.

حسنی به‌ضرورت نیازسنجی دقیق ازرشته‌های موردنیاز در استان هم اشاره می‌کند ومعتقد است که‌سیستم‌های آموزشی نظام‌مند بانگرش سیستماتیک، برنامه‌های تحصیلی رامطابق‌بانیاز جامعه سامان می‌دهند.

ازفشارهای خانواده تاپروپاگاندای جامعه

این جامعه‌شناس بر تأثیرگذاری نقش خانواده‌ها تأکید می‌کند ومی‌گوید: دربسیاری مواقع، انتخاب رشته دانش‌آموز براساس علایقش نیست، بلکه اوبافشار خانواده وجامعه به‌سوی رشته تجربی سوق داده می‌شود. حتی اگر دانش‌آموز علاقه‌مند به‌هنر یاعلوم‌انسانی باشد، تصور عمومی ازپزشکی به‌عنوان یک مسیر موفق، اورا ازعلایقش دور می‌کند.

او هشدار می‌دهد که‌این نگرش اقتصادی -که بخشی ازآن حاصل نوعی پروپاگاندا وتبلیغات نادرست است- واقعیت رامنعکس نمی‌کند؛ زیرا حرفه پزشکی بادشواری‌های فراوانی همراه است وروحیه خاصی رامی‌طلبد. اما خانواده ونظام آموزشی برای هدایت تحصیلی، بیشتر به‌نمرات توجه می‌کند تاعلایق فردی یاتوانمندی‌های واقعی. پیامد چنین روندی، تضعیف علوم‌انسانی وریاضی ودرمجموع ضعف درعلوم پایه است.

دکتر حسنی بر لزوم بازنگری جدی درحکمرانی آموزشی تأکید می‌کند ومی‌گوید: باید انتخاب رشته‌ها بر مبنای عقلانیت ومنافع ملی باشد، نه‌منافع فردی. نگاه فردگرایانه به‌انتخاب رشته، نظام آموزشی را ازمسیر درست دور کرده وامروز منجر به‌تقاضای بی‌رویه برای رشته‌های تجربی شده است.

چالش‌های هدایت تحصیلی نادرست

عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی گریزی هم به‌چالش‌های هدایت تحصیلی نادرست ونبود توازن بین رشته‌ها می‌زند وافت تحصیلی، به‌ویژه درمیان پسران، زنانه‌شدن دانشگاه‌ها ونبود تطابق میان تعداد فارغ‌التحصیلان دختر بافرصت‌های شغلی موجود را، ازاین چالش‌ها برمی‌شمارد ومعتقد است که‌مجموع این روند درآینده تأثیر عمیقی بر نهاد خانواده، وضعیت اشتغال ورضایتمندی اجتماعی خواهد گذاشت.

او هشدار می‌دهد که‌اگر همین روند ادامه یابد، بابیکاری فارغ‌التحصیلان رشته‌های تجربی -به‌ویژه پزشکان عمومی- مواجه خواهیم شد. به‌گفته وی، برنامه‌ریزی‌های آموزش‌عالی باید براساس نیازجامعه باشد وتوسعه دانشگاه‌ها باتوجه به‌ظرفیت ونیازواقعی صورت گیرد. دراین صورت، تعادل میان رشته‌ها برقرار وازبحران بیکاری کاسته می‌شود. دکتر حسنی به‌افت معدل نهایی دانش‌آموزان براساس آمار اعلام‌شده ازسوی آموزش‌وپرورش اشاره می‌کند واین موضوع ودیگر مسائلی راکه‌پیش‌تر مطرح شد، زنگ خطری جدی برای نظام آموزش می‌داند که‌لزوم بازنگری کلان دراین نظام رانمایان می‌کند.

جور دیگر باید دید

گرایش فزاینده دانش‌آموزان به‌رشته‌های علوم‌تجربی ورؤیای پزشک‌شدن، بیش ازآنکه انتخابی آگاهانه باشد، محصول فشارهای اجتماعی، تبلیغات اغراق‌آمیز ونگاه تک‌بعدی به‌موفقیت است وگویی به‌مطالبه‌ای جمعی تبدیل شده است؛ مطالبه‌ای که‌برخاسته ازتصورات رایج جامعه درباره موفقیت، درآمد عالی وشأن اجتماعی پزشکان است.

آمار کنکور امسال درخراسان‌رضوی نشان می‌دهد که‌بیش ازنیمی ازداوطلبان، تنها یک مسیر رابرای آینده خود می‌پندارند وادامه این مسیر درآینده، جامعه راباموجی ازپزشکان بیکار واستعدادهای سرکوب‌شده درسایر رشته‌ها مواجه خواهد کرد. این روند، علاوه‌بر احتمال بروز بحران بیکاری درآینده هویت آموزشی وتنوع رشته‌ای کشور راتهدیدمی‌کند.

براساس تحلیل‌های کارشناسان، مشکل اصلی درضعف هدایت تحصیلی، نگاه درآمدمحور وفشارهای خانوادگی وتبلیغاتی نهفته است. برای اصلاح این روند، نظام آموزش‌وپرورش باید فرایند استعدادسنجی دقیق‌تری راجرا کند ومشاوره تحصیلی رابه‌سمت علاقه‌محور بودن سوق دهد. خانواده‌ها باید به‌جای تحمیل رؤیاهای خود، امکان کشف مسیرهای واقعی زندگی رابرای فرزندانشان فراهم کنند تاآینده‌ای متوازن، مبتنی‌بر علاقه، توانمندی ونیازملی رقم بخورد.

دیدگاه

سراب دمشق

روزهایی که پرچم‌های سفید در کاخ المهاجرین بالا رفت، شبکه‌های خبری نیویورک تا پاریس از «سوریه نو» تمجید کردند؛ الگویی که قرار بود در کتاب‌های علوم سیاسی به‌عنوان مدل «گذارِ موفق از مقاومت به سازگاری» تدریس شود. اما آن بهشتی که روی کاغذ ترسیم شده بود، در میدان به واقعیتی زمخت بدل گشت و امروز جولانگاه جنگنده های صهیونیستی شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، سال ۲۰۲۵، دمشق تازه از گردباد جابه‌جایی قدرت بیرون آمده است. بشار اسد با فشار ترکیبی تحریم‌های فلج‌کننده، نبرد فرسایشی نیابتی و اجماع رسانه‌ای غرب کنار رفت و «احمد الشرع ملقب به جولانی»، رهبر پیشین هیئت تحریر الشام، با چراغ سبز واشنگتن و تل‌آویو و حمایت تمام قد اردوغان بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زد. همان روزهایی که پرچم‌های سفید در کاخ المهاجرین بالا رفت، شبکه‌های خبری نیویورک تا پاریس از «سوریه نو» تمجید کردند؛ الگویی که قرار بود در کتاب‌های علوم سیاسی به‌عنوان مدل «گذارِ موفق از مقاومت به سازگاری» تدریس شود. اما آن بهشتی که روی کاغذ ترسیم شده بود، در میدان به واقعیتی زمخت بدل گشت و امروز جولانگاه جنگنده های صهیونیستی شده است.

جولانی در ریاض کنار دونالد ترامپ ایستاد و جلوی دوربین‌ها ژستِ یک رهبر توسعه‌گرا را گرفت. رئیس‌جمهور آمریکا در سفرش به غرب آسیا وعده داد تحریم‌ها را تعلیق و بسته‌ای پانزده‌میلیارددلاری برای بازسازی زیرساخت‌ها به جولانی ارائه می کند، ولی بعد از برگشت به واشنگتن، نه از صرافی‌های دمشق بوی دلار رسید، نه آسمان های شام روی آرامش را دیدند. بالعکس، جنگنده‌های اسرائیلی طی چندین حمله (که تا زمان نوشتن این یادداشت ۱۶۰ حمله اعلام شده است) زیر ساخت های دفاعی سوریه را منهدم کردند.

۴ درس استراتژیک از سوریه امروز:

-۱ از ۱۹۶۷ تاکنون، دکترین پیرامونی تل‌آویو بر مهار هر دولت غرب‌آسیایی که بوی قدرت بگیرد، استوار بوده. در این منطق حتی دمشقِ رام‌شده خطر بالقوه است؛ زیرا باثبات‌شدن هر دولت در مرزهای فلسطین اشغالی دیر یا زود به بازتولید قابلیت دفاعی می‌انجامد. اساسا استراتژی صهیونیست‌ها در منطقه این است: ضعیف بمان تا زنده بمانی. این گزاره درباره مصرِ پس از کمپ‌دیوید و اردنِ پس از وادی عربه نیز صادق بوده است.

-۲ کاخ سفید عادی‌سازی با اسرائیل را به ابزاری تبلیغاتی و لابی‌پسند بدل کرده: عکس یادگاری، یک بیانیه چهاربندی و وعده صندوق سرمایه‌گذاری. واقعیت اما تداوم سیاست چماق بزرگ است و این نشان داد هر صلح و عادی سازی با رژیم صهیونیستی در منطقه، جنگی کم‌هزینه برای تل‌آویو می‌آفریند.

-۳ اتفاقات اخیر سوریه نشان داد که غرب آسیا به چتری دفاعی نیاز دارد که منافع مشترک را بر رقابت‌های مقطعی ترجیح دهد. ایران می‌تواند با مشارکت آنکارا، ریاض، بغداد و اسلام‌آباد، برای ایجاد «مجمع امنیت منطقه‌ای» یا به تعبیری همان «ناتوی اسلامی» پیش‌قدم شود؛ ابتکاری که هرچند با بدگمانی‌های تاریخی، پرونده سوریه و رقابت‌های انرژی روبه‌روست، بهترین پاسخ جمعی به سرطانی به نام اسرائیل خواهد بود. تجربه آسه‌آن و حتی اتحادیه آفریقا نشان می‌دهد که همکاری امنیتی پیش‌نیاز جهش اقتصادی است. ایران باید با قدرت دیپلماسی منطقه‌ای خود کشورهای پیرامون را قانع کند و با تعریف منافع مشترک در برابر اسرائیل چتر امنیتی برپا سازد.

-۴ این حادثه همچنین عیار واقعی نسخه مقاومت را آشکار کرد. مادامی که بازیگری نامطلوب و ساختارشکن مانند اسرائیل در جغرافیای غرب آسیا حضور دارد، هر الگوی امنیتی مبتنی بر دل‌خوش‌کنک‌های دیپلماتیک در بهترین حالت مسکن موقت است. تجربه میدانی نشان می‌دهد که تنها ائتلاف‌های مقاومت‌محور توانسته‌اند هزینه تجاوز را برای تل‌آویو بالا ببرند. از همین رو، طرح جامع مقاومت ایران تنها راه‌حل بومیِ آزموده‌شده برای دفع تهدید در منطقه غرب آسیاست. مخالفان محور مقاومت می کوشند تجاوزهای تل‌آویو به لبنان را معلول سلاح حزب‌الله جلوه دهند و نسخه خلع‌سلاح را به‌عنوان راه‌حل القا کنند

همین گزاره در عراق تکرار می‌شود، انحلال حشد و خلع سلاح فصائل را شرط دورماندن بغداد از میدان درگیری می‌دانند.

تجربه سوریه نشان می‌دهد برای اسرائیل، «عادی سازی» جز نام دیگری برای تسلیم کامل نیست. بازدارندگی تنها در سایه توان مقاومت معنا پیدا می‌کند.

سخن پایانی این که سوریه جولانی آینه‌ای مقابل سیاست‌ورزان منطقه است. سراب وعده‌های بیرونی و خشونت نهادینه‌شده رژیمی که بقای خود را در تضعیف همسایگان جست‌وجو می‌کند. ترکیه که گمان می‌کرد سوریه به حیاط خلوتش بدل شده، اکنون می‌بیند اسرائیل به هیچ کشوری اجازه نمی‌دهد در منطقه، بیش از خود قدرت بگیرد. اگر عراق، عربستان، ترکیه و پاکستان در برابر الگوی ثباتِ ظاهریِ وابسته به بیرون واکسینه نشوند، فردا نوبت خود آن‌هاست. راه‌حل ثبات امنیتی در غرب آسیا، اتکا به ظرفیت داخلی کشورهای خود منطقه، دیپلماسی چندسطحی و چتر امنیت جمعی است. ترکیبی که می‌تواند صدای توپخانه تل‌آویو را تا کرانه باختری عقب براند. آزمون سوریه پایان نیافته، اما پرسش‌های آن امروز روی میز همه پایتخت‌های منطقه است. آیا از این آینه درس می گیرند یا بار دیگر چشم بر حقیقت بسته می شود؟

جعفر یوسفی

برش

نخست‌وزیر جدید اوکراین کیست؟

نبرد در خط مقدم با پاشنه بلند

ولودیمیر زلنسکی، یولیا سویردنکوی ۳۹ ساله را به‌عنوان نخست‌وزیر بعدی اوکراین معرفی کرد. سویردنکو در حال حاضر معاون اول نخست‌وزیر و وزیر اقتصاد اوکراین است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبر فوری، او که در مذاکرات با دولت دونالد ترامپ و شرکای اروپایی نقش کلیدی داشته و بر توسعه صنایع دفاعی اوکراین در جریان جنگ کنونی با روسیه نظارت کرده، قرار است به‌عنوان دومین زن نخست‌وزیر این کشور پس از یولیا تیموشنکو (۲۰۰۵، ۲۰۰۷-۲۰۱۰) منصوب شود. تأیید پارلمان اوکراین برای این انتصاب لازم است، اما انتظار می‌رود این روند به دلیل همسویی پارلمان با زلنسکی از آغاز جنگ، تنها یک تشریفات باشد.

یک اقتصاددان در خط مقدم مذاکرات دشوار

یولیا سویردنکو، که تحصیلاتش در رشته اقتصاد است، در بحبوحه جنگ اوکراین نقش مهمی به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد این کشور ایفا کرده است. اوایل سال جاری، سویردنکو مذاکرات مربوط به توافق معدنی آمریکا و اوکراین را رهبری کرد در حالی که نسخه اولیه این توافق از سوی دولت ترامپ به‌گونه‌ای طراحی شده بود که اوکراین را به نوعی تحت سلطه آمریکا قرار دهد. سویردنکو توانست توافقی متعادل را مذاکره کند که شامل مفاد مطلوبی برای اوکراین بود. تیموفی میلوانوف، وزیر اقتصاد سابق اوکراین که با او همکاری داشته، گفت: «سویردنکو تنها فردی بود که این مذاکرات را هدایت کرد و موفق شد از فروپاشی آن‌ها جلوگیری کند»

سویردنکو همچنین مذاکرات با شرکای بین‌المللی، از جمله اروپا، را برای بازسازی و احیای اوکراین رهبری کرده است. او در نقش فعلی خود، همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی و توسعه صنایع دفاعی را مدیریت کرده است. به گزارش کی‌یف پست، از زمان جنگ روسیه در سال ۲۰۲۲، اوکراین به یک بازیگر مهم در صنعت دفاعی تبدیل شده و پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه پهپادهای نظامی و جنگ‌افزارهای کنترل از راه دور داشته است.

از دولت محلی تا نخست‌وزیری

یولیا سویردنکو در ۲۵ دسامبر ۱۹۸۵ در شهر چرنیهیف در شمال اوکراین به دنیا آمد. او کودکی خود را در دورانی سپری کرد که اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید. زمانی که ولادیمیر پوتین از یک مأمور اطلاعاتی به یک سیاستمدار تبدیل می‌شد، سویردنکو هنوز دانش‌آموز بود. اکنون، دهه‌ها بعد، در حالی که پوتین جنگی علیه کشور او به راه انداخته، سویردنکو قرار است دولت اوکراین را رهبری کند.

سویردنکو در سال ۲۰۰۸ با درجه ممتاز از دانشگاه ملی تجارت و اقتصاد کی‌یف فارغ‌التحصیل شد و همان سال به‌عنوان اقتصاددان در یک شرکت املاک و مستغلات مشغول به کار شد. در سال ۲۰۱۱، او به‌عنوان رئیس نمایندگی تجاری دائمی چرنیهیف در شهر ووکسی چین منصوب شد، جایی که وظیفه جذب سرمایه‌گذاری چینی به اوکراین را بر عهده داشت. او در راه‌اندازی شرکت اکو-وتور در چرنیهیف، که کاملاً با سرمایه خارجی تأمین مالی شده بود، نقش کلیدی ایفا کرد

سویردنکو در سال ۲۰۱۵ وارد خدمات عمومی شد و به‌عنوان مشاور دولت محلی چرنیهیف منصوب شد. در همان سال، به ریاست اداره توسعه اقتصادی منطقه‌ای ارتقا یافت. در سال ۲۰۱۷، او به‌عنوان معاون اول فرماندار منطقه منصوب شد. در دوران فعالیتش در چرنیهیف، سویردنکو موفق به جذب ۳۴۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شد و منطقه تحت مدیریت او رتبه اول کشور را کسب کرد.

در سال ۲۰۱۹، زلنسکی او را به دولت فدرال دعوت کرد و به‌عنوان معاون وزیر اقتصاد منصوب کرد. یک سال بعد او به معاون اول وزیر توسعه اقتصادی، تجارت و کشاورزی ارتقا یافت و سپس به‌عنوان معاون رئیس دفتر رئیس‌جمهور منصوب شد. در سال ۲۰۲۱، زلنسکی او را به‌عنوان معاون اول نخست‌وزیر و وزیر اقتصاد منصوب کرد.

اشاره

سرنوشت نقاشی‌های هیتلر چه شد؟

اکتبر ۱۹۰۸، آدولف هیتلر ۱۹ ساله که آرزوی تبدیل شدن به یک هنرمند را در سر داشت، با یک شکست ویرانگر مواجه شد: رد شدن در آزمون ورودی آکادمی هنرهای زیبای وین. این لحظه، که در آن رویای او برای تبدیل شدن به یک نقاش حرفه‌ای فرو ریخت، نه تنها مسیر زندگی او را تغییر داد، بلکه به‌طور غیرمستقیم تأثیرات عمیقی بر تاریخ قرن بیستم گذاشت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دیروزیان، آدولف هیتلر در سال ۱۸۸۹ در براناو ام این اتریش، به دنیا آمد. از جوانی، او خود را یک هنرمند می‌دانست و رویای تحصیل در آکادمی هنرهای زیبای وین را در سر داشت، موسسه‌ای معتبر که هنرمندانی مانند گوستاو کلیمت را پرورش داده بود. هیتلر در سال ۱۹۰۷، پس از مرگ مادرش به وین نقل مکان کرد و با ارثیه‌ای اندک، زندگی فقیرانه‌ای را در پیش گرفت. او روزهایش را با نقاشی مناظر شهری، ساختمان‌ها و کارت‌پستال‌هایی می‌گذراند که به گردشگران می‌فروخت. نقاشی‌های او عمدتا کپی‌هایی از تصاویر موجود یا بازنمایی‌های دقیق اما بی‌روح از بناهای تاریخی بودند.

آزمون ورودی آکادمی

در سپتامبر ۱۹۰۷، هیتلر برای اولین بار در آزمون ورودی آکادمی شرکت کرد. این آزمون شامل دو مرحله بود: یک آزمون طراحی اولیه و سپس ارائه نمونه کارهای هنری. هیتلر مرحله اول را گذراند، اما در مرحله دوم، نمونه کارهایش توسط هیئت داوران رد شد. یک سال بعد، در اکتبر ۱۹۰۸، او دوباره امتحان داد، اما این بار حتی از مرحله اول نیز عبور نکرد. گزارش‌های آکادمی نشان می‌دهد که نقاشی‌های او «فاقد اصالت و تخیل» بودند. داوران، که هویت آن‌ها مشخص نیست به او توصیه کردند که به جای نقاشی، به معماری روی آورد، زیرا آثارش دقت فنی خوبی داشتند، اما فاقد روح خلاقانه لازم برای یک هنرمند بودند.

یکی از اساتید آکادمی، که بعدها هیتلر او را به خاطر رد شدنش سرزنش کرد، اظهار داشت که آثار او بیش از حد مکانیکی و فاقد احساس بودند. هیتلر بعدها در کتاب «نبرد من» این شکست را به یهودیان نسبت داد و ادعا کرد که رد شدنش نتیجه توطئه‌ای علیه او بوده است، دیدگاهی که ریشه‌های یهودستیزی او را تقویت کرد.

تأثیر شکست بر هیتلر

رد شدن در آکادمی برای هیتلر ضربه‌ای عمیق بود. او که از حمایت خانوادگی محروم بود، در وین به زندگی فقیرانه‌ای ادامه داد، گاهی در خوابگاه‌های عمومی می‌خوابید و با فروش نقاشی‌هایش امرار معاش می‌کرد. این دوره از زندگی او، که با انزوا و فقر همراه بود، خشم و سرخوردگی او را نسبت به جامعه و به‌ویژه روشنفکران و نهادهای فرهنگی تشدید کرد. برخی مورخان معتقدند که این شکست، حس حقارت و نیاز به اثبات خود را در هیتلر تقویت کرد، که بعدها در جاه‌طلبی‌های سیاسی و نظامی‌اش نمود یافت.

هیتلر هرگز به‌طور کامل از هنر دست نکشید. حتی پس از به قدرت رسیدن در سال ۱۹۳۳، او خود را یک «هنرمند-سیاستمدار» می‌دانست. او مجموعه‌ای از نقاشی‌هایش را حفظ کرد و بعدها دستور داد که آثاری که به نظرش «فاسد» بودند، مانند هنر مدرن و آثار هنرمندان یهودی، از موزه‌های آلمان حذف شوند. نمایشگاه «هنر فاسد» در سال ۱۹۳۷ نمونه‌ای از تلاش او برای تحمیل دیدگاه‌های هنری خود بر جامعه بود.

سرنوشت نقاشی‌های هیتلر

امروزه، نقاشی‌های هیتلر که تعداد کمی از آن‌ها باقی مانده‌اند، به دلیل ارتباطشان با او و نه به خاطر ارزش هنری، مورد توجه هستند. این آثار، که عمدتاً مناظر و ساختمان‌های ساده هستند، در حراجی‌ها گاهی با قیمت‌های بالا فروخته می‌شوند، هرچند بیشتر به‌عنوان اشیای تاریخی و نه آثار هنری. کارشناسان هنری معتقدند که نقاشی‌های او فاقد خلاقیت و عمق هستند و اگر هیتلر به‌عنوان یک دیکتاتور شناخته نمی‌شد، این آثار هیچ توجهی جلب نمی‌کردند.